

درباره دعوت‌های تعالی‌بخش دین در حوزه فرهنگ و آداب و رسوم انسانی

تعالی‌بخشی فرهنگی ادیان الهی

کرم سیاوشی

دانشیار و مدیر گروه الهیات دانشگاه بوعلی‌سینای همدان

همواره در زندگی بشر، مسائل فرهنگی از بنیان‌های مهم و ضروری برای دوام و قوام جوامع انسانی بوده و هست. هرگونه آسیب‌دیدن این بنیان‌ها یا سست‌شدن و بی‌اعتبار شدن آنها در نزد اعضای جامعه، به‌تدریج صدمات جبران‌ناپذیری را بر پیکر و بدنه آن جامعه که به‌مثابه یک تن به شمار می‌رود، وارد خواهد کرد. به همین دلیل، متفکران و محققان در جوامع آگاه، درصدد برمی‌آیند با انجام تحقیقات دقیق و مستمر با برگزاری انواع و اقسام برنامه‌های علمی و عمومی، در قالب‌های گوناگون آسیب‌های وارده یا احتمالی را گوشزد کرده، بازبایی و چاره‌جویی کنند. علاوه‌بر آن یکی از ارجمندترین دستاوردهای بشری در عرصه فرهنگ و جامعه، اصلاح فرهنگی است که از رهگذر آن، آنچه به اقتضای شرایط عصری و گاه اوضاع جهانی نمی‌بایست باقی بماند و زیانبار است در فرآیندی منطقی با معادل‌های مناسب و برتر جایگزین شود. برهمین اساس از مهم‌ترین اهداف ادیان الهی و وحیانی مقابله با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم و عادات منحط و زیانبار به لحاظ مادی و معنوی و جایگزین کردن آنها با فرهنگ‌ها و سبک‌ها و سنت‌های ارزشمند و سودمند دنیوی و معنوی است. تا آنجا که می‌توان اذعان کرد کارکرد ادیان آسمانی عمدتاً پالایش امور مختلف زندگی دنیایی بشر است تا مخاطبان آن، که همه افراد بشری هستند با پذیرش و تبعیت از آن تعالیم تعالی‌بخش و در پرتویک زندگی رشدیافته و تمام‌عیار انسانی، بتوانند در عوالم پس از مرگ و در حیات راستین و برین از نتایج شیرین و شادی‌بخش آن به‌گونه‌ای بهتر و باشکوه‌تر بهره‌مند شوند. به نظر می‌رسد مقصود از تعبیر «تعالوا» که هفت‌بار در آیات قرآن استعمال شده است همین دعوت تعالی‌بخش موردنظر باشد. براین اساس دعوت به توحید و یگانه‌پرستی که از اولین و اساسی‌ترین برنامه‌های همه پیامبران الهی بوده‌است، از موثرترین عوامل در تحولات فرهنگی نیز به‌شمار می‌آید؛ چرا که درحقیقت تحولات راستین فرهنگی از همین نقطه باید آغاز شود؛ لذا خالق حکیم و علیم که بر همه چیز آگاه است نقطه عزیمت تحولات بنیادین فرهنگی را از این امر مهم آغاز کرده و از همین‌رواست که پذیرندگان راستین دعوت انبیاء که خود پیامبران، نیز شاگردان صادق و درجه‌یک آن مکتب از آنان محسوب می‌شوند، فرهنگی‌ترین و فرهیخته‌ترین افراد بشر در همه اعصار محسوب می‌شوند. چنان‌که از اوصاف و اخلاقی و رفتار و کردار پیامبر اسلام و پیامبران پیش از وی در آیات متعددی از قرآن کریم همراه با ستایش و بزرگداشت یاد شده است که این پاسداشت الهی صرفاً به‌خاطر ارتباط نیکوی آنها با مقام الوهی و به‌جا آوردن مقام بندگی و رعایت‌شدن حق تعالی نیست؛ بلکه به رابطه و تعامل نیکوی آنها حین ابلاغ و تبیین پیام‌های الهی و رفتار و کردار نیکو و احسان و عدالت و خوش خلقی و بسیاری از صفات پسندیده آنها در زندگی روزمره با مردمان دوران

و پیامون خود آنها بازمی‌گردد. یک نمونه از صفاتی که قرآن کریم درباره پیامبر اکرم (ص) مطرح کرده این است که برخی بر پیامبر خرده می‌گرفتند که او بسیار به سخنان مردم گوش می‌دهد و به اصطلاح در شنیدن سخنان مردم و مخاطبان شکیباست: «و مِنْهُمْ الَّذِینَ یُؤْذِنُونَ النَّبِیَّ وَ یَقُولُونَ هُوَ أَذَّنْ قُلِ اذَّنْ خَیْرَ لَکُمْ یَوْمَنْ بِاللَّهِ وَ یَوْمَنْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ رَحْمَةً لِّلَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ» (توبه: ۶۱) ولی خداوند برخلاف این خرده‌گیری شتاب‌زده و نابخردانه، بر رفتار بردبارانه پیامبر مهر تایید می‌زند و بر همین اساس است که پیامبران به‌عنوان شایسته‌ترین افراد در میان پیروان هر دین برای پیروان آن دین و آیین به‌عنوان اسوه و الگو معرفی شده‌اند؛ چنان‌که درباره پیامبر گرامی اسلام هم ماجرا از همین قرار است: «لَقَدْ کَانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ اُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن کَانَ یَرْجُوا اللَّهَ وَ الْیَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ کَثِیرًا» (احزاب: ۲۱) از مهم‌ترین آموزه‌های دینی، زدودن عادات و آداب جاهلی، خرافاتی و غیرخردمندانه بت‌پرستی و نذر و نیاز بردن به پیشگاه خدایان سنگی و چوبی و دیگر موجودات ناتوان و متوجه کردن بشر به سوی خالق یکتاست که هم خالق همه هستی است، هم قادر مطلق است و هم به همه راز و رمزها و نیازهای انسان از خود او آگاه‌تر و در برآوردن آنها تواناتر است و این امر خود از اساسی‌ترین نوع تحولات فرهنگی است که آغازگر یک دگرگونی و انقلاب فرهنگی گسترده و همه‌جانبه در همه ابعاد زندگی بشر می‌شود؛ چرا که پس از اصلاح فرهنگ و آداب عبادات و تصحیح رابطه خلق با خالق، به‌صورت طبیعی نگاه و نگرش انسان نسبت به زندگی متفاوت خواهد شد که این تازه آغاز راه است؛ راهی که با پدیدآوردن خصایل و خصایصی ممتاز و متفاوت و فاخر -که در آداب و عادات صرفاً بشری و عمدتاً پرخاسته از هواها و هوس‌های زودگذر و بی‌سرانجام هرگز وجود

ندارد- جان تازه‌ای به حیات بشریت هدیه می‌کند و آن را طراوت و شرافت می‌بخشد؛ لذا می‌فرماید: «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیْبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ اِذَا دَعَاکُمْ لِمَا یُحْیِیْکُمْ...» (أنفال: ۲۴) و می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَکَرٍ اَوْ اُنْثٰی وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْیِیَنَّهٗ حَیَآةً طَیِّبَةً» (نحل: ۹۷) پیداست که همه برنامه‌های ریز و درشت شرعی و دینی (اوامر و نواهی، مستحبات و مکروهات و مباحات) تشویق‌گر منش‌ها و کنش‌های نیکو است و بازدارنده از رفتارها و کردارهای ناپسند و مفسده‌خیز است که در میحت فلسفه احکام از آنها به‌عنوان مصالح و مفاسد و دلایل وضع احکام یاد شده است؛ لکن در حوزه فرهنگ و معرفت می‌توان از آنها با عنوان «عوامل رشد فرهنگی یا تعالی‌بخش فرهنگ» برای بنانهادن یک بنیان بلند و شکوهمند از فرهنگ ناب و کریمانه برای انسان مُکرم یاد کرد؛ چراکه نگاه و نظر پروردگار درباره انسان آن است که او را گرامی داشته‌و بر بسیاری از مخلوقات در جهان هستی برتری بخشیده است: «وَ لَقَدْ کَرَّمْنَا بَنِیَ آدَمَ وَ... وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّیِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلٰی کَثِیْرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِیْلًا» (اسراء: ۷۰)

از سوی دیگر، دعوت مستمر پیروان دین به تحکیم و تقویت ایمان خویش تا رسیدن به مقام «تقوی» که همین امر خود یکی از شاخصه‌های کیفی و از سنگین‌کننده‌های توشه و میزان اعمال نیکوی انسان شمرده شده است، عمدتاً به‌حوزه «حق الناس» مرتبط است که مقصود از آن پاسداشت حقوق مردم است: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ...» (تغابین: ۱۶) و «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ...» (آل عمران: ۱۰۲)

علاوه‌بر آن، بخش قابل توجهی از احکام و آداب دینی که به‌عنوان عادات و آداب ستودنی به شمار آمده است و مورد تحریض و تشویق قرار گرفته، رعایت حقوق و حرمت



مردم را سوگیری می‌کند. به‌عنوان نمونه منع غیبت، تجسس، دروغ‌گویی، تهمت، افترا، شایعه‌پراکنی، سرقت، غصب اموال، کم‌فروشی و ضایع کردن اموال مردم در ابعاد و عرصه‌های گوناگون و... که تعداد اندکی از لیست بسیار بلندی از این گونه امور ناپسند و ممنوعه به شمار می‌آید، باید به‌عنوان بازآفرینی و پالایش فرهنگی در دین ممین اسلام شناخته شود و به شمار آید که فروکوبنده هوس‌ها و زیاده‌طلبی‌ها، خودبرتربینی‌ها و... زنده‌کننده خصلت‌های پاک برای شکل‌گیری زندگی‌های آرام و همراه با صلح و سلم و آسایش است: «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اَدْخُلُوا فِی السَّلَامِ کَافَّةً وَ لَا تُشْبِعُوا خُلُوْطَاتِ الشَّیْطَانِ اِنَّهٗ لَکُمْ عَدُوٌّ مُّبِیْنٌ» (بقره: ۲۰۸)

به‌عنوان مثال، ازجمله آداب و رفتاری که همه ادیان الهی آن را به‌صورت موکد مطرح کرده‌اند بلکه عقل زلال و بی‌شائبه بشری هم بر آن صحه می‌گذارد، مساله «صداقت» است. صداقت و راستی دامنه وسیعی دارد و ابعاد و حوزه‌های گسترده‌ای از زندگی بشری از اندیشه‌های سرنوشت‌ساز گرفته تا سخنان عادی را در بر می‌گیرد. البته صداقت صرفاً در سخن گفتن -چه علمی و چه غیرعلمی- محدود نمی‌شود بلکه کردار و حتی حرکات و سکنات اشاره‌دار و اثربخش افراد نیز می‌تواند تجلی و تجسم صداقت یا بی‌صداقتی باشد. روشن است که گفتار و رفتار صادقانه ممکن است هزینه‌های مادی هم برای افراد داشته باشد لکن اگر صداقت همان‌گونه که دین از پیروان و رهروان خود درخواست کرده به‌عنوان فرهنگ عمومی و سبک گفتاری و رفتاری موردتجلیل در میان جامعه متدینان جای گیر بلکه فراگیر شود، هزینه دنیایی برای صادقان در بر نخواهد داشت یا بسیار ناچیز خواهد بود و بالعکس هزینه‌های بی‌صداقتی افزایش